

بررسی ساختار دیوانی و چگونگی اداره آستانه‌ها در دوره صفویه

ابوطالب سلطانیان^۱

حسن کهنسال و اجارگاه^۲

چکیده

از جمله موضوعات قابل توجه در دوره صفویان، چگونگی ساختار دیوانی و اداره آستانه‌هاست. در این دوره، رویکرد دینی صفویان، سبب گسترش کمی و کیفی آستانه‌ها و در نتیجه پیچیدگی بیشتر ساختاری آن‌ها شد. از سوی دیگر، این گسترش همراه با افزایش هزینه‌های تعمیر و نگهداری بود که باید از منابعی تأمین می‌گردید. ضرورت تأمین چنین منابعی نیز به نوبه خود، سبب گسترش موقوفات و در پی آن توسعه بیشتر نظام دیوانی شد. با وجود چنین تحولاتی، ساختار نظام دیوانی آستانه‌های بزرگی چون مشهد، قم، ری (حضرت عبدالعظیم)، عتبات عالیات و بقعه اردبیل، به‌ویژه از منظر تطبیقی، در این دوره چندان مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

بنابر آن چه گفته شد، این پرسش در این‌جا مطرح است که ساختار و تشکیلات دیوانی، سلسله‌مراتب متولیان و کارگزاران در هر آستانه چگونه بوده و آستانه‌ها در این زمینه‌ها چه تشابهات و تفاوت‌هایی با هم داشته‌اند؟ از سوی دیگر، از آن‌جا که مسائل اقتصادی نیز بخشی از نظام دیوانی را تشکیل می‌داد، این پرسش مطرح می‌شود که کم و کیف عواید و مصارف آستانه‌ها چگونه بود؟ بر این اساس، در پژوهش حاضر، کوشش بر این است که این‌گونه مسائل، تا حد امکان با رویکردی تطبیقی بررسی شوند. بررسی پرسش‌هایی از این دست، تصویری روشن‌تر از نظام دیوانی و نحوه اداره آستانه‌ها ارائه می‌دهد و در عین حال، نقش و کارکرد صفویان را در این زمینه‌ها بیشتر آشکار خواهد کرد.

واژگان کلیدی: صفویان، آستانه، ساختار دیوانی، متولیان و کارکنان، عواید و مصارف.

۱. استادیار تاریخ دانشگاه گیلان. (نویسنده مسئول) a-soltanian@guilan.ac.ir

۲. استادیار تاریخ دانشگاه گیلان. kohansal@guilan.ac.ir

دریافت: ۹۵/۰۱/۱۷؛ پذیرش: ۹۵/۰۳/۱۷

مقدمه

دوره صفویان را می‌توان سرآغازی نوین در بازسازی آستانه‌ها و بقاع متبرکه دانست. در این دوره، رویکرد دینی حاکمان و بزرگان صفوی، سبب توجه بیشتر آنان به آستانه‌ها و بقاع متبرکه شد. در نتیجه بسیاری از آستانه‌ها و بقاع، بازسازی و احیا گردیدند. از این‌رو، به همان نسبت که آستانه‌ها توسعه و تکامل می‌یافتند، ساختار دیوانی و اداره آن‌ها نیز گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شد. این پیچیدگی‌ها و ابهامات تاریخی موجود در نظام دیوانی آستانه‌ها از یک‌سو و ضرورت بررسی مقایسه‌ای این نظام از سوی دیگر، اهمیت انجام چنین پژوهشی را دوچندان می‌کند.

اما به لحاظ پیشینه پژوهش، باید گفت پژوهش‌هایی به‌طور جداگانه درباره هریک از آستانه‌ها صورت گرفته است. در نگاهی کلی، این پژوهش‌ها را می‌توان در موضوعاتی چون وقف، وقف و تشیع، تاریخچه آستانه‌ها، وقف و واقفان دسته‌بندی کرد (برای نمونه، نک: احمدی، ۱۳۸۴؛ حسن‌آبادی، ۱۳۸۲؛ امیری، ۱۳۸۴؛ نوایی و احمدی، ۱۳۸۱). اما در دوره مورد بحث، چندان مطالعه‌ای درباره مسائل دیوانی آستانه‌ها، به‌ویژه با رویکرد تطبیقی انجام نشده است. از این‌رو، در این‌جا کوشش بر این است که ساختار آستانه‌ها و بقاع مهم با رویکردی مقایسه‌ای مطالعه شوند که ضمن رفع پاره‌ای از ابهامات، تفاوت‌ها و تشابهات ساختار دیوانی آن‌ها نیز بیشتر آشکار گردد.

بر این اساس، برای بررسی دقیق‌تر، این موضوع به دو بخش تقسیم می‌شود؛ در بخش نخست، کم و کیف ساختار دیوانی آستانه‌ها و اکاوی می‌گردد که مسائلی چون مقام و جایگاه متولیان، وظایف و مسئولیت آنان، سلسله‌مراتب دیگر دست‌اندرکاران و نیز تقسیمات و تشکیلات مربوط به هریک از آستانه‌ها آشکار شود. همچنین، از آن‌جا که مسائل مالی و اقتصادی - مانند کم و کیف عواید و مصارف هر آستانه و بقعه - نیز بخشی از مسائل دیوانی را تشکیل می‌دهند، در بخش دیگر این پژوهش، مسائلی از این دست مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

در این راستا باید گفت نوسازی و نگهداری آستانه‌های امامان علیهم‌السلام و دیگر تأسیسات تحت پوشش آن‌ها مانند مساجد و مدارس و نیز پرداخت حقوق متولیان و خدمتکاران این تأسیسات، هزینه‌هایی سنگین می‌طلبد. از این‌رو، در این‌جا نیز این مسئله وجود

دارد که چنین هزینه‌های سنگینی در هریک از آستانه‌های یادشده چگونه و از چه منابعی تأمین می‌شد؟ در این باره به نظر می‌رسد ضرورت تأمین چنین هزینه‌هایی در گسترش موقوفات هرآستانه مؤثر بوده و در نتیجه موقوفات بسیاری، نه تنها در سراسر ایران، بلکه در خارج از کشور نیز به آستانه‌ها اختصاص داده شد.

در عین حال، یادآوری این نکته نیز لازم است که در پژوهش حاضر، چند آستانه مهم همچون مشهد، قم، ری، عتبات عالیات و بقعه اردبیل - که بیشتر مورد توجه خاص صفویان بوده‌اند - به صورت کلی مورد مطالعه تطبیقی قرار می‌گیرند. دیگر این که به لحاظ منابع و مآخذ، تکیه این پژوهش بیشتر بر نوشته‌ها و آثار مورخان رسمی دوره صفوی است تا از لابه‌لای آن‌ها اطلاعات مربوطه استخراج شود.

الف) ساختار و تشکیلات دیوانی آستانه‌ها

در این بخش، برای بررسی دقیق‌تر ساختار و تشکیلات دیوانی آستانه‌ها، نخست منصب و جایگاه متولی، به عنوان یکی از عناصر اصلی و تأثیرگذار هر آستانه و نیز انواع تولیت مورد بحث قرار می‌گیرد که جایگاه، مرتبه و تفاوت‌های موجود در این منصب، در هریک از آستانه‌ها مشخص شود. سپس وظایف و اختیارات متولیان، کارکنان تحت نظارت آنان و چگونگی اداره مؤسسات و موقوفات وابسته به آستانه‌ها بررسی می‌شوند.

۱. متولیان و مناصب آنان

به نظر می‌رسد پیشینه تاریخی واژه «متولی» به دوره صفویان بازمی‌گردد؛ زیرا در روزگار آنان بود که تشکیلات دیوانی آستان قدس (همانند دیگر آستانه‌ها) بازسازی و ساماندهی شده. پیش از آن دوره، اداره آستانه قدس - که چندان گسترده نبود و عواید کمتری نیز داشت - بر عهده نقیبان بوده است (حسن‌آبادی، ۱۳۸۲: ۴۱)؛ اما با گسترش ساختاری و دیوانی آستانه‌ها در این دوره، تحولی نیز در جایگاه و منصب متولی پدید آمد و به لحاظ سلسله‌مراتب دیوانی، متولی به عنوان بالاترین مقام، در رأس آستانه قرار گرفت.

البته، با توجه به رهبری معنوی و سید بودن صفویان و این که آنان خود را نایب امام

غایب علیه السلام تلقی می‌کردند، خویش را متولیان اصلی آستانه‌های امامان علیهم السلام و امام‌زاده‌ها نیز می‌دانستند. اما پادشاهان صفوی با تعیین متولیان، درواقع این حق خود را به آنان تفویض می‌کردند. از این‌رو، به‌کار بردن اصطلاح «تفویض» در دستورالملوک و تذکرةالملوک، ناشی از همین موارد نیز هست که به موجب آن حق تولیت شاه به دیگران واگذار می‌شد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۳۵۰). بر این اساس، در دوره صفویان، متولیان به عنوان نایب شاه، از بالاترین مقام‌ها در آستانه‌ها به‌شمار می‌رفتند که مسئولیت تمام امور آستانه و موقوفات مربوط به آن را بر عهده داشتند.

اما در مقام مقایسه باید گفت در این دوره، مقام و مرتبه یک متولی، به اهمیت و عظمت آستانه تحت نظارتش نیز بستگی داشت. از این‌رو، منصب متولیان آستانه‌های بزرگ، در ردیف مناصب امیران و مقامات عالی‌رتبه مملکتی قرار می‌گرفت. برای مثال، در آغاز کار صفویان، متولی عتبات در عراق مرتبه امیری داشت. شاه اسماعیل یکم (۹۰۷ - ۹۳۰)، پس از فتح عراق عرب در سال ۹۱۴، سید محمد کمونه را به عنوان متولی عتبات عالیات منصوب کرد و به وی رتبه امارت داد و طبل و علم و خیل عطا کرد (شیرازی، ۱۳۶۹: ۴۷؛ غفاری قزوینی، ۱۳۴۳: ۲۷۲). در همین زمان، خادم‌بیک که به حکومت عراق عرب گمارده شده بود، مأموریت داشت در تعمیر و توسعه مزارهای امامان علیهم السلام با متولی یاد شده همکاری کند (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴۹۶).

از دیگر آستانه‌های مهم، آستانه امام رضا علیه السلام در مشهد بود. به همین دلیل، متولی این آستانه نیز مقام و مرتبه‌ای بالا داشت. بنا به نوشته دستورالملوک، متولی آستانه امام رضا علیه السلام دارای عنوان «عالیجه» بوده است (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۴). عالیجه در این دوره، از آن چهارده تن از صاحبان عالی‌ترین مناصب حکومتی بود (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۸۱).

اما به لحاظ ساختاری و بر اساس وظایف محوله، در منابع دوره صفوی گفت‌وگو از دو نوع تولیت (دو منصب) در آستانه امام رضا علیه السلام شده است؛ «تولیت سنتی» و «تولیت واجبی». آنچه از سیورغالات و از «سرکار خاصه شریفه» (املاک و بیوتات سلطنتی) صرف آن آستانه می‌شد - مانند مصالح شیلان (سفره طعام)، مقررری خادمان و مدرسان و وظیفه‌بگیران و علما و فضلا و دیگر اربابان استحقاق - بر عهده تولیت سنتی

بود. اما وظایف «تولیت واجبی» عبارت بود از کنترل عواید اوقاف و نذوراتی که مصرف آن‌ها معین بود و باید طبق شروط واقفان عمل می‌شد (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۴۹). از این‌رو، هر یک از این دو گونه تولیت، متولی خاص خود را داشتند. برای مثال، در آغاز حکومت صفویان، تولیت سنتی بر عهده شاه اسماعیل یکم (۹۰۷ - ۹۳۰) بود و در اواخر حکومت شاه تهماسب یکم (۹۳۰-۹۸۴) نیز میرکمال‌الدین - از سادات استرآباد - تولیت سنتی و میرزا ابوالقاسم - از سادات خلیفه اصفهان - تولیت واجبی آستانه امام رضا (ع) را به عهده داشته‌اند (همو).

بقعه اردبیل نیز از آن روی که مدفن اجداد صفویان و شاه اسماعیل یکم بود، اهمیتی ویژه داشت و متولی آن نیز دارای مقامی بالا بود. برای این متولی نیز عناوینی چون «حاکم»، «بیگلربیگی» و «قورچی‌باشی» ذکر شده است. برای مثال، در سال ۱۰۶۵ نظرعلی‌خان - که متولی دارالارشاد اردبیل بود - عنوان «حاکم» داشت. اما وی به علت تصرف موقوفات آن بقعه و شکایات رعایا، از حکومت عزل شد و اموال او نیز به جبران سوءاستفاده‌هایش مصادره گردید و در پی آن، اردبیل نیز ضمیمه اراضی خاصه شد (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۱۶). از آن پس منصب تولیت آن بقعه به مرتضی قلی‌خان رسید که او نیز پیش از این، منصب قورچی‌باشی داشت. قورچی‌باشی یک منصب نظامی به شمار می‌رفت که به لحاظ مقام، پس از وزیر اعظم بود (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۸۵). میرزا رفیعا گزارش می‌دهد که تولیت مزار خاقان رضوان مکان (شاه اسماعیل یکم) با یکصد تومان حق التولیه، با قورچی‌باشیان بوده است (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۹۰). در عباس‌نامه نیز آمده است که بیگلربیگیان آذربایجان، معمولاً متولی مزار شاه اسماعیل بوده‌اند (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۳۵).

از این گزارش‌ها چنین برمی‌آید که مزار شاه اسماعیل نیز متولیان بلندپایه داشته است و این متولیان جدای از متولیان بقعه اردبیل بوده‌اند. دلیل دیگر این دیدگاه، این است که مقابر پادشاهان صفوی در قم^۱ نیز هرکدام متولی جداگانه‌ای داشتند. از سویی، بقعه اردبیل نیز همانند آستان قدس دارای دو متولی با دو عنوان بود؛ یکی «جدید» و دیگری

۱. شاه صفی، شاه عباس دوم، شاه سلیمان، شاه سلطان‌حسین، تهماسب دوم و نیز برخی شاهزادگان صفوی که به دست افغانان کشته شدند، در قم دفن شده‌اند (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۳۷، ۱۱۴، ۱۱۱؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۳۵۰).

«قدیم». متولی جدید کسی بود که مسئولیت اداره امور آستانه را برعهده داشت؛ اما متولی قدیم عهده‌دار امور موقوفات آستانه بود (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۹).

آستانه حضرت عبدالعظیم علیه السلام نیز در دوره شاه تهماسب یکم (۹۳۰-۹۸۴) دو متولی داشت که توسط وی منصوب شده بودند؛ یکی امیر نظام‌الدین علی‌شاه و دیگری امیر حسام‌الدین ابراهیم. این دو، متولیان قدیم (یا شرعی) موقوفات تعیین شده بودند (عقیلی، ۱۳۷۸: ۷۲) و - چنان‌که از عنوانشان پیداست - هر دو منصب «امیری» داشتند که باید از امرای قزلباش بوده باشند. باز در اواخر همان قرن دهم، از یک مقام درباری با عنوان «ایشیک آقاسی‌باشی» (رئیس تشریفات سلطنتی) نام برده شد که ضمن داشتن حکومت ری، متولی آن آستانه نیز بوده است (رهبرن، ۱۳۴۹: ۱۰۷ و ۴۴). احتمال دارد وی متولی تفویضی بوده باشد.^۱ افزون بر این‌ها در همین آستانه، از منصب دیگری با عنوان «متولی استصوابی» یاد شده که مقام بالاتری بوده و هر دو متولی شرعی و تفویضی باید وظایف خود را با صوابدید وی انجام می‌دادند (عقیلی، ۱۳۷۸: ۷۳). چنین منصبی در دیگر آستانه‌ها دیده نشده است.

گزارش دیگری حاکی است متولی آستانه حضرت معصومه علیه السلام نیز مردی سرشناس بود که پیش‌تر سمت قورچی‌باشی داشت؛ یعنی وی فرمانده کل سی‌هزار تن سپاهی بوده است. نیز این‌که تولیت مقابر سه‌گانه پادشاهان صفوی در قم را سه تن از رجال سرشناس به عهده داشتند که عواید و مصارف هر مقبره زیر نظر مستقیم آنان تنظیم می‌شد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۳۵۰).

در مجموع، این داده‌ها حاکی از آن است که در دوره مورد بحث، متولیان آستانه‌های بزرگ - با تفاوت‌های منصبی جزئی - از مقامات عالی‌رتبه کشوری و لشکری و بیشتر، از دودمان‌های سادات منصوب می‌شدند. اما امام‌زاده‌ها و مزارهای کوچک‌تر، توسط مقامات محلی - که به لحاظ سلسله‌مراتب دیوانی در رده‌هایی پایین‌تر قرار داشتند - اداره می‌شدند. برای مثال، در طوماری که از «بناک» مازندران به‌دست آمده و مربوط به دوره صفویان است، بیش از ۸۳ مزار نام برده شده که هر یک موقوفاتی خاص داشته‌اند

۱. در آستانه حضرت عبدالعظیم علیه السلام، متولی قدیم را «متولی شرعی» نیز می‌نامیدند. اما متولی تفویضی به کسی گفته می‌شد که تولیت موقوفات مقامات به وی تفویض شده بود.

و توسط مقامات محلی همچون ملاباشی، ریش سفید، رئیس، شیخ الاسلام، میرچه و... اداره می‌شده‌اند (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۷۵).

۲. وظایف و اختیارات متولیان

مسئله دیگر در ساختار دیوانی آستانه‌ها، وظایف و اختیارات متولیان آستانه‌هاست که کم و کیف آن نیز بسته به اهمیت و گستردگی هر آستانه، متفاوت بود. در این باره نیز وظایف و اختیارات متولی «سرکار فیض آثار» (آستانه امام رضا علیه السلام) و تشکیلات موقوفات (آن) بسیار گسترده بود. این وظایف - آن‌چنان‌که در دستورالملوک آمده است - عبارت بود از نظم و نسق و نظارت بر کتابخانه، شربت‌خانه، دارالشفاء، آشپزخانه، عطارخانه، فراش‌خانه، حویج‌خانه (انبارخواروبار)،^۱ شماعی‌خانه (شمع‌خانه)، خبازخانه، ایاع‌خانه (آبدارخانه)، قصاب‌خانه، هیمه‌خانه، راسته، شیلان، روشنایی، رُخوت (جمع رخت) و خلاع که بین افراد مشخص تقسیم می‌شد. همچنین تجویز سرکشیکان، خادم‌باشیان، خدمه، حفاظ کلام‌الله، اطباء، منجم، خزانه‌دار، صاحب نسق، فراشان، بُخورسوزان، مؤذنان، درباریان، ایاعچیان (آبدارچیان)، علمداران، باغبانان، عمله نقاره‌خانه، بیلدارباشی و همگی عمله کارخانجات و بیوتات (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۳ - ۱۷۴).

افزون بر این‌ها، عزل و نصب، بازخواست و تنبیه هریک از اینان، تکثیر و توفیر زراعات و عمارات و باغات، حواله و اطلاق و تنخواه دادن به تحویلداران از کارخانجات مزبور، مواجب و مقرری ناظر و مستوفی و سرکشیکان و خادم‌باشیان و تمام منشیان آن آستانه، از جمله وظایف متولی به شمار می‌رفت (همو). همچنین نظارت بر کار وزیر و مستوفیان موقوفات سرکار فیض آثار نیز بر عهده متولی بود و اینان در مقابل وی مسئول بودند؛ زیرا از جمله وظایف گسترده این متولی تکثیر و توفیر زراعات و عمارات و باغات بوده و مواجب و مقرری ناظر و مستوفی و ... نیز با وی بوده است (همو).

به لحاظ مقایسه، وظایف متولیان در دیگر آستانه‌های مهم نیز کمابیش همانند

۱. برای آگاهی بیشتر از معانی و مفاهیم اصطلاحات دیوانی و تاریخی دوره صفویه، نک: سلطانیان، ۱۳۹۳: ۱۶۹ - ۱۷۶.

وظایف متولی آستانه امام رضا علیه السلام بود. برای مثال، وظایف متولی مزارهای پادشاهان صفوی در قم عبارت بود از نسق شیلان (ترتیب سفره طعام)، وصول مقرری سرکارات (عواید موقوفات مربوطه)، تنقیح (تصفیه) محاسبات تحویلداران، نظم و نسق عمله و حفاظ و دیگر امور مربوط به مزارها (همو: ۱۷۸). همچنین بخشی از وظایف متولی آستانه حضرت معصومه علیه السلام در قم نیز چنین تعریف شده است: تعیین امام جماعت، برگزیدن مؤذن، تعیین قندیلچی‌ها برای روشن کردن قندیل‌ها و شمع‌ها، به‌کار گرفتن مأموران نظافت و تهیه آب وضو و تطهیر، نظارت بر عایدات و مخارج آستانه و... (امیری، ۱۳۸۴: ۱۲۸). این داده‌ها نشان می‌دهند متولیان، به‌عنوان بالاترین منصب در هر آستانه، کمابیش وظایفی مشابه داشته‌اند؛ اما تفاوت عمده یکی در مرتبه و منصب هر متولی و دیگری در میزان وظایف و مسئولیت وی بود که دو مورد آخر، به اهمیت و گستردگی هر آستانه بستگی داشت.

۳. عناوین و شمار کارکنان آستانه‌ها

چنان‌که اشاره شد، متولیان هر آستانه - که مجموعه‌ای از بخش‌های مختلف آستانه و مؤسسه‌های وابسته به آن را اداره می‌کردند - بر کار شمار زیادی از دیوانیان زیرمجموعه خود نظارت داشتند. در هریک از زیرمجموعه دیوانی هر آستانه، یک یا چند تن با عناوین مختلف مشغول به کار بودند. این افراد عبارت بودند از: سرکشیکان، خادم‌باشیان، حفاظ کلام‌الله، اطباء، منجم، خزانه‌دار، صاحب‌نسق، فراشان، بخورسوزان، مؤذنان، ایاغچیان، علمداران، باغبانان، عمله نقاره‌خانه، بیلدارباشی، کارکنان کارخانجات و بیوتات، تحویلداران، ناظر، مستوفی، منشیان و خدمه بخش‌های مختلف مانند خادمان کتابخانه، شربت‌خانه، دارالشفاء، آشپزخانه، عطارخانه، فراش‌خانه، حویج‌خانه، شماعی‌خانه، خبازخانه، ایاغ‌خانه، قصاب‌خانه، هیمه‌خانه، شیلان، روشنائی و... (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۳ - ۱۷۴).

البته درباره شمار کارکنان آستانه‌های یادشده، منابع تاریخی این دوره آگاهی و ارقام چندانی ارائه نمی‌دهند؛ اما به‌صورت پراکنده و از لابه‌لای برخی گزارش‌ها می‌توان اطلاعاتی به دست آورد. برای مثال، اولتاریوس به‌صورت کلی گزارش می‌دهد بقعه اردبیل، روزانه سه وعده و هربار به بیش از یک‌هزار تن از خدمه بقعه و فقرا غذا می‌داد

(اولئاریوس، ۱۳۶۳: ۱۳۰). این عبارت بیانگر آن است که بسیاری از این افراد که روزانه تغذیه می‌شدند، در شمار همان کارکنان و خدمه بقعه بوده‌اند. گزارش دیگری که به آستانه حضرت معصومه علیها السلام در قم مربوط می‌شود، نشان می‌دهد در آغاز کار صفویان، کارکنان و خادمان این آستانه به حدود پنجاه تن می‌رسیدند؛ اما در زمان دومین شهریار صفوی، یعنی شاه تهماسب یکم (۹۳۰ - ۹۸۴) - که موقوفات این آستانه افزایش یافته بود - بر شمار کارکنان آن نیز افزوده شد و به هفتاد تن رسید. به نظر می‌رسد این تعداد در روزگار پادشاهان بعدی همچنان رو به افزایش بوده است. این افراد شامل مستوفی، مشرف، خازن و خادم نیز بوده‌اند که هر یک، شمار زیادی افراد کمکی در کنار خود داشته‌اند (بوسه، ۱۳۶۷: ۲۰۷). بر این اساس، به نظر می‌رسد شمار کارکنان آستانه‌های بزرگی چون حرم امام رضا علیه السلام و نیز بقعه اردبیل - که بسیار گسترده‌تر بودند - به همان نسبت بیشتر بود.

۴. مقامات و تشکیلات «سرکار فیض آثار»

چنان‌که از منابع دوره صفوی برمی‌آید، اصطلاح «سرکار فیض آثار» برای اراضی وقفی و برخی اراضی غیروقفی و نیز تشکیلات دیوانی مربوط به آن‌ها - که متعلق به آستانه امام رضا علیه السلام بودند - به کار می‌رفت. بر این اساس، یکی دیگر از مقامات برجسته این تشکیلات، در دارالسلطنه اصفهان، «وزیر سرکار فیض آثار» (وزیر موقوفات آستانه امام رضا علیه السلام) نامیده می‌شد. منابع حاکی از آن است که وظیفه این وزیر، نظارت بر کشت و زرع اراضی، مراقبت از مستغلات و آسیاب‌ها و قنات‌ها بود. محصول محال (اصفهان) و دیگر عواید موقوفات سرکار فیض آثار، از رعایا و مستأجران با مهر و اطلاع وی وصول می‌شد و به مصارف مقرر می‌رسید. وی همچنین وظیفه داشت در آباد کردن محال و افزایش زراعت بکوشد (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۴۴؛ لمبتن، ۱۳۷۷: ۲۳۶).

اما به نوشته میرزا رفیعا، وظایف این وزیر به موقوفات سرکار فیض آثار در محال اصفهان محدود می‌شد، اما در سایر ولایات، چنین وظایفی به عهده مستوفیان بوده است.^۱ درباره وظایف این وزیر در سایر ولایات، تنها به این نکته اشاره می‌کند که

۱. گفتنی است یکی از مهم‌ترین مناصب پس از منصب صدر در اداره امور موقوفات مزارها، «مستوفی موقوفات»

تعیین متصدیان و باغبان‌باشیان سرکار فیض‌آثار، علاوه بر اصفهان، در دیگر ولایات، با تأیید این وزیر و اجازه صدر خاصه انجام می‌شد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۳۳). با این همه، این وزیر و مستوفیان موقوفات سرکار فیض‌آثار، در مقابل متولی این آستانه - که مقامی بالا بود و عنوان «عالیجاه» داشت - نیز مسئول بودند (همو: ۱۷۳ - ۱۷۴).

از سوی دیگر، موقوفات چهارده معصوم علیهم‌السلام که در زمان شاه‌عباس یکم (۹۹۶ - ۱۰۳۸) گسترش یافت^۱ نیز توسط «مستوفی چهارده معصوم» و «وزیر موقوفات چهارده معصوم» اداره می‌شد. این مستوفی، داد و ستد کل موقوفات یادشده را به عهده داشت

بود که مقامی بالا به شمار می‌رفت. بخشی از وظایف این مستوفی آن بود که پس از دریافت محاسبات وزیران، مستوفیان (جزء)، متولیان و متصدیان موقوفات خاصه و عامه توسط «دفترخانه موقوفات»، تمام آن‌ها را بررسی کند و اسناد و مفصاحساب هر یک را صادر نماید. سپس طومار هر یک از مزارها را طبق دستور صدر تنظیم کند و به هر یک از متولیان و مباشران موقوفات ارائه نماید که بر اساس آن عمل کنند (نصیری، ۱۳۷۲: ۶۷؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۳۶).

اما «دفترخانه موقوفات» یا «دفتر موقوفات» در دوره صفوی، دیوانی بود که عواید موقوفات را جمع‌آوری و حساب‌رسی می‌کرد. این دفترخانه زیر نظر صدر، اما با ریاست مستوفی موقوفات به امور رسیدگی می‌نمود. در این دفترخانه تمام اطلاعات ریز اراضی و املاک وقفی مانند مساحت، طرز کشت و دریافت و پرداخت‌های سالانه آن‌ها ثبت می‌شد (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۲۲).

شاردن نیز می‌گوید: دفترخانه موقوفات همانند دیوان محاسبات کل کشور، دارای دو اداره جداگانه بود. یکی از آن دو، وظیفه رسیدگی به کلیه امور خاصه (موقوفات سلطنتی) را بر عهده داشت و وظیفه دیگری، رسیدگی به امور موقوفاتی بود که اشخاص یا مؤسسات دیگر وقف کرده بودند (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۳۴۲).

۱. درباره کم و کیف موقوفات چهارده معصوم علیهم‌السلام باید گفت شاه تهماسب یکم (۹۳۰-۹۸۴) موقوفاتی را وقف چهارده معصوم علیهم‌السلام کرده بود (سلطانیان، ۱۳۹۳: ۸-۵۵)، اما بیشتر از شاه تهماسب، موقوفات خواهرش «مهرین بانو»، معروف به «سلطانم» - که به پرهیزگاری و دین‌داری نیز شهره بود - بر ما آشکار است. این خواهر فهیم شاه، املاک نفیسی را که در شیروان، ارسباران، تبریز، قزوین، ساوجبلاغ، شهریار، ری، اصفهان، گرم‌رود و استرآباد به هم رسانیده بود، وقف چهارده معصوم علیهم‌السلام کرد و تولیت آن را به شاه تهماسب و پس از وی به پادشاه وقت واگذار کرد. درآمد این موقوفات را نیز به سادات فاطمی اثنی‌عشری که سیورغال نداشتند - اعم از مرد و زن، به‌ویژه زنان بی‌شوهر - اختصاص داد (قمی، ۱۳۵۹: ۳۱-۴۳۰).

با این همه، در میان پادشاهان صفوی، شاه عباس یکم (۹۹۶ - ۱۰۳۸) بیشترین اراضی و اموال را وقف چهارده معصوم علیهم‌السلام کرده بود. ارزش این موقوفات - و نه عواید آن‌ها - را اسکندربیک ترکمان (منشی) بیش از یکصد هزار تومان شاهی عراقی و مؤلف *زبدۃ التواریخ* طبق قبالات و ثبت دفاتر، یکصد و بیست هزار تومان نوشته‌اند (ترکمان، ۱۳۸۲: ۷۶۰؛ مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۰۲). در واقع، دوره سلطنت او را باید سرآغازی نوین در گسترش وقف دانست. اصل وقف‌نامه شاه عباس که به قلم شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی، معروف به «شیخ بهایی» نوشته شده، در کتاب *قصص الخاقانی* آمده است (برای ملاحظه اصل وقف‌نامه، نک: شاملو، ۱۳۷۱: ۱۸۷؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۳۵ - ۱۳۹).

که همه با مهر و نوشته وی انجام می‌گرفت. وظایف وزیر این موقوفات نیز همانند وظایف وزیر سرکار فیض‌آثار بوده است (نصیری، ۱۳۷۲: ۴۸، ۶۶).

ب) کم و کیف عواید آستانه‌ها و محل‌های مصرف آن‌ها

از آن‌جا که مسائل اقتصادی نیز مرتبط و مکمل ساختار نظام دیوانی آستانه‌ها بوده‌اند، بررسی آن‌ها نیز می‌تواند روشن‌گر ابعاد دیگری از این ساختار باشد. از این‌رو در این‌جا دو موضوع مهم دیگر مورد مطالعه قرار می‌گیرند؛ یکی این‌که عواید هر آستانه از چه منابعی تأمین می‌شده و میزان آن چقدر بوده است؟ دیگر این‌که این عواید در چه محل‌هایی و چگونه به مصرف می‌رسید؟ این بررسی - که بر اساس گزارش‌ها مورخان صفوی صورت می‌گیرد - پاره‌ای از مسائل دیوانی را آشکار خواهد کرد.

۱. منابع عواید آستانه‌ها

در این‌باره باید گفت بیشترین عواید، نخست از راه اجاره اراضی وقفی و پس از آن از تأسیسات عمومی موقوفی به‌دست می‌آمد. پس از این‌ها، نذورات و صدقات و همانند آنها بودند که در رتبه سوم قرار داشتند (سلطانیان، ۱۳۹۳: ۶۵). با این همه، درباره عواید کل اراضی وقفی، هزینه‌ها و محل‌های مصرف آن‌ها نمی‌توان اعداد و ارقام دقیقی ارائه داد؛ زیرا آثار مورخان رسمی این دوره نیز در این موارد چندان دقیق نیستند. بر این اساس، آن‌چه در منابع رسمی این دوره، درباره عواید و مخارج موقوفات آمده، جز در مواردی، بیشتر بر حدس و گمان استوار است.

اما به لحاظ میزان موقوفات باید گفت در دوره صفویان، بیشترین موقوفات از آن مزارهای امامان و امامزادگان علیهم‌السلام بود. پس از آن، وقف برای تعمیر و نگهداری، روشنایی، فرش و... در دیگر بناهای مذهبی به کار می‌رفت که در رتبه دوم قرار داشت. پس از این‌ها، موقوفات متعلق به مدارس بود (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۸). به نظر می‌رسد سوق دادن کارکردهای وقف به سوی اهداف سیاسی حکومت، یکی از دلایل توسعه وقف توسط پادشاهان صفوی بوده است.

از سویی، چون بیشترین موقوفات را در دوره صفویان، موقوفات چهارده معصوم علیهم‌السلام تشکیل می‌داد، به‌نظر می‌رسد عواید حاصل از آن نیز - که به آستانه‌های معصومین علیهم‌السلام

تعلق داشت - نسبت به دیگر موقوفات بیشتر بوده است. برای نمونه، اسکندربیک ترکمان (منشی)، عواید این موقوفات را در روزگار شاه‌عباس یکم (۹۹۶ - ۱۰۳۸)، پس از کسر هزینه‌های زراعت، به‌طور متوسط نزدیک به هفت هزار تومان نوشته است (ترکمان، ۱۳۸۲: ۷۶۰).^۱ اما به نظر می‌رسد عواید این موقوفات بعدها رو به افزایش نهاد؛ چنان‌که مؤلف عباس‌نامه میزان عواید موقوفات چهارده معصوم علیهم‌السلام را در زمان شاه‌عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲) سالانه نزدیک به ۱۳ - ۱۴ هزار تومان ذکر کرده است (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۲۳).

اما اگر سهم هر آستانه و بقعه از درآمد موقوفات به‌طور جداگانه در نظر گرفته شود، باید گفت بیشترین عواید موقوفات از آن آستانه امام رضا علیه‌السلام در مشهد بوده است. در این دوره، به منظور تأمین هزینه‌های آستان قدس، شمار زیادی از مزارع و باغ‌ها را در نواحی مختلف، به عنوان سیورغال به آن اختصاص داده بودند (حسن‌آبادی، ۱۳۹۰: ۴۰-۴۱). در همین راستا، مؤلف دستورالملوک که به دوره پایانی صفویان نظر دارد، گزارش می‌دهد که عواید اراضی وقفی، نذوراتی که از ولایات دوردست ایران و هندوستان به‌دست می‌آمد و نیز درآمدهای دیگر، در مجموع به حدود چهارهزار خروار جنس و سه‌هزار تومان وجه نقد بالغ می‌شد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۶). گزارش دیگری حاکی است که میزان عواید این آستانه، در دوره شاه سلطان‌حسین (۱۱۳۵-۱۱۰۵) به پانزده‌هزار تومان می‌رسید (لمبتن، ۱۳۷۷: ۶۵، دیباچه). این رقم و رقم دستورالملوک - که هردو مربوط به دوره متأخر صفویان هستند - با هم تفاوت دارند. اما اگر بهای چهارهزار خروار جنس، به علاوه سه‌هزار تومان برابر یا نزدیک به همان پانزده‌هزار تومان باشد، هردو گزارش به هم نزدیک‌اند. با این همه، مؤلف دستورالملوک با لحنی گله‌آمیز می‌افزاید که مقرر بود حکام و عمال ممالک محروسه در امداد و اعانت کوتاهی نکنند و هر ساله مبلغ سیصد تومان نقد و مقدار سیصد من موم زرد و کافوری و مقداری فتیله عنبر و کشته و برمکی برای نذورات آن آستان بفرستند (میرزا فیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۶). از این گفته چنین برمی‌آید که آن حکام و عمال، به آن‌چه مقرر بود عمل

۱. منابع دیگر، ارقامی متفاوت ذکر کرده‌اند. نصرالله فلسفی به نقل از تاریخ خلد برین، این عواید را شش هزار تومان و به نقل از تاریخ عباسی آن را حدود هشت هزار تومان نوشته است (فلسفی، ۱۳۷۱: ۸۷۷).

نمی‌کردند و کوتاهی آنان سبب کاهش عواید آستانه امام رضا علیه السلام در روزگار پایانی صفویان شده بود. البته از این داده‌ها نتیجه دیگری نیز می‌توان گرفت و آن این‌که در دوره‌های پیش از شاه سلطان حسین - که اوضاع اقتصادی امپراتوری صفوی منظم‌تر و پررونق‌تر بود - این عواید نیز بیشتر بوده است؛ زیرا در نتیجه روند بی‌ثباتی که در روزگار پایانی حکومت صفویان به وجود آمده بود، بسیاری از موقوفات غصب شد، یا عواید حاصل از آن‌ها به آستانه‌ها نمی‌رسید.

همچنین از گذشته، اموال زیادی در سراسر ایران به‌ویژه در آذربایجان، وقف بقعه اردبیل - که از بقاع مهم به شمار می‌رفت - شده بود.^۱ اما منابع از میزان درآمد این موقوفات اطلاعات چندانی ارائه نمی‌دهند. با این همه، اولناریوس در برآوردی کلی درآمد بقعه اردبیل از موقوفات، مالیات‌ها، صدقات و نذورات را چندین میلیون تالر^۲ می‌داند (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۱۳۲). با توجه به این‌که هر یکصد تومان برابر با هزار و هفتصد تالر محاسبه می‌شد، عواید این آستانه نیز رقمی بسیار بزرگ بود. البته آستانه حضرت عبدالعظیم علیه السلام نیز به دلیل موقوفات بسیاری که در نواحی ری داشت، از

۱. اراضی و اموال بسیاری وقف این بقعه - که از گذشته‌های دور مورد احترام و توجه خاص بسیاری از بزرگان قرار داشت - شده بود. برای مثال، در سال ۱۰۱۱، فرستاده شاه عباس یکم به بلخ، وقف‌نامه‌ای در آن‌جا یافت که به موجب آن، تیمور املاک را بر خاندان صفوی وقف کرده بود. در آن سند آمده بود که تیمور آن اراضی را در ولایات اصفهان، همدان، طالش و طارم «به زر حلال خود خریده» و به فرزندان ذکور سلطان خواجه علی وقف کرده است (لمبتن، ۱۳۷۷: ۲۲۳).

افزون بر این‌ها، بر اساس گزارش اولناریوس، ۳۳ روستا از کل روستاهای اطراف اردبیل، ۵ روستا در سراب، همچنین در سایر شهرها موقوفاتی به این بقعه تعلق داشتند. وی می‌افزاید: تنها در اردبیل دویست باب منزل، نه دستگاه گرمابه، هشت کاروان‌سرا، قیصریه بزرگ، کل میدان و تمام حجره‌ها و دکان‌های اطراف آن، نیز یکصد حجره دیگر در بازار، همگی مالیات و عوارض خود را به بقعه می‌پرداختند ((اولناریوس، ۱۳۶۳: ۱۳۳).

گزارشی دیگر حاکی است که در آغاز قرن یازدهم هجری، موقوفات بقعه صفویان در اردبیل شامل ۶۵۰ بخش از اراضی مزروعی بود که توسط زارعان مستأجر کشت می‌شد. این اراضی در مجموع حدود ده هزار جریب از زمین‌های آبی و مزروعی را دربر می‌گرفت که به آن، املاک در قزوین، مغان، گیلان و گرگان را نیز باید افزود (Bausani, 1971:150).

نوعی دیگر از این موقوفات، مجموعه‌ای از کتب فارسی، از جمله کتب تاریخی، دیوان‌ها و تصنیفات ایرانی بود که شاه‌عباس یکم آن‌ها را وقف آستانه اردبیل کرد به آن‌جا فرستاد. تاریخ این وقف را سال‌های ۱۰۱۷ و ۱۰۲۲ ذکر کرده‌اند (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۲۸۱ - ۲۸۵).

۲. تالر، واحد پول آلمان در دوره مورد بحث است. هر تومان معادل ۱۷ تالر بود.

آستانه‌های پردرآمد به شمار می‌آمد.

۲. محل‌های مصرف عواید آستانه‌ها

همان‌گونه که عواید آستانه‌ها از منابع گوناگونی به دست می‌آمد، محل‌های مصرف آن نیز گوناگون بود. البته عواید موقوفات، بر اساس شروط و نیت واقفان، در محل‌های مورد نظر آنان به مصرف می‌رسید. در این راستا، بخشی از عواید اراضی و مستغلات وقفی به طبقات دینی، یعنی روحانیان، مدرسان، طلاب و همانند آنان اختصاص می‌یافت. با این حال، گاهی نیز «وظیفه» روحانیان از درآمدهای مالیاتی پرداخت می‌شد؛ وظیفه به صورت نقدی یا جنسی یا هر دو پرداخت می‌گردید (بوسه، ۱۳۶۷: ۱۸۴). بنا به گزارش کمپفر، در مدرسی که از سوی شاه وقف شده بودند، حقوق مدرس به یکصد تومان (۱۷۰۰ تالر) می‌رسید. در سایر مدارس، این حقوق کمتر و به‌طور معمول حدود پنجاه تومان (۸۵۰ تالر) بود. این حقوق بالای مدرسان سبب شد کمپفر با افسوس بگوید: «کاش در آلمان نیز به استادان - این فروزندگان چراغ دانش - چنین موهبتی ارزانی می‌شد!» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۴۱). البته، به‌جز مدرسان و روحانیان، به هر یک از طلاب نیز مبلغی برای گذران زندگی‌شان، از همان عواید موقوفات پرداخت می‌کردند. در مدارس منتسب به شاه، این کمک روزانه به یک عباسی (دو درهم نقره = ۰/۲ تالر) می‌رسید. در سایر مدارس، به طلاب روزانه یک محمودی یا یک شاهی می‌پرداختند که برابر نصف یا یک ربع عباسی بود. این کمک، خرج را مدرس از پیش به‌صورت هفتگی به طلاب می‌پرداخت؛ اما او خود تمام بودجه سالانه مدرسه را یک‌جا از متصدی موقوفات دریافت می‌کرد. تقسیم عواید موقوفات، هر ساله توسط صدر و در حضور شاه یا نمایندگان وی انجام می‌شد. بخشی از عواید طلاب - که تنها از ناحیه اصفهان گرد می‌آمد - سالانه به حدود هزار چهارصد تومان (۲۳۸۰۰ تالر) بالغ می‌شد (همو: ۱۴۲ - ۱۴۳).

بخش دیگری از عواید موقوفات به عنوان حقوق به صدرها، متولیان و خادمان آستانه‌ها و بقاع متبرکه پرداخت می‌شد. بنا به گزارش شاردن، صدرها و معاونان آنان و نیز متصدیان املاک و کسانی که وظیفه تقسیم درآمد موقوفات را به عهده داشتند، بخش عظیمی از این درآمدها را به خود اختصاص می‌دادند. همو می‌نویسد:



میزان حقوق سالیانه صدر دو هزار تومان، معادل سی هزار اِکو^۱ پول ماست.^۲ اما چون به ازای این مبلغ حواله زمین به ایشان می‌دهند و درآمدهای دیگری نیز دارند، مجموع عواید ایشان از شصت هزار اِکو می‌گذرد. (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۳۴۳)

بخشی از این گونه حقوق‌ها، از عواید آستانه‌ها به صدرها پرداخت می‌شد و بقیه آن از محل‌های دیگری تأمین می‌گردید. برای مثال، طبق اسناد آستان قدس، عواید صدر - که در طوماری مخصوص نوشته می‌شد - در ذیل سایر درآمدها، از «عشر و دهنیم» نام برده شد. این درآمد - که گفته شد معادل ۱۵٪ عواید حاصل از سیورغالات بوده - از بابت نظارت بر اراضی سیورغال به صدر پرداخت می‌شد (حسن‌آبادی، ۱۳۹۰: ۳۸ - ۳۹).

از منابع چنین برمی‌آید که حقوق متولیان آستانه‌های بزرگ نیز - که از مقامات عالی‌رتبه به‌شمار می‌رفتند - رقم بالایی بود و تا یک‌دهم کل درآمدهای آستانه را تشکیل می‌داد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۷). متولیان مبلغی نیز به‌عنوان «رسوم» یا رسومات دریافت می‌کردند که «حق التولیه» نامیده می‌شد. رسومات معمولی هر متولی نیز متجاوز از هفتصد تومان بود (همو: ۱۷۹). بدیهی است متولیان بقاع کم‌اهمیت‌تر، از رسومات و عواید کمتری برخوردار بوده‌اند. برای مثال، گفته شده است هر یک از متولیان مزارهای سه‌گانه پادشاهان صفوی در قم - شاه صفی، شاه‌عباس دوم و شاه‌سلیمان - صد تومان مقرری داشته‌اند (همو: ۱۷۸). بدیهی است رسومات آنان نیز به همان نسبت کمتر بود.

با این همه، بیشترین عواید موقوفات آستانه‌ها و بقاع متبرکه، در اختیار متولیان آنها قرار می‌گرفت که بر اساس نیت و شروط واقفان، برای هزینه‌های گوناگون آستانه‌ها مصرف شود. بر این اساس، بخشی از درآمدها، برای هزینه‌های تعمیر و نگهداری این اماکن، کمک به فقیران، اطعام مسکینان و زوار آستانه‌ها، پرداخت حقوق متولیان و خدمتکاران، تنخواه تحویلداران، حقوق کارگران، وظیفه جمعی از وظیفه‌بگیران و...

۱. یکی از واحدهای پول فرانسه بود. شاردن هر تومان را معمولاً برابر ۱۵ اکو (Ecu) یا ۴۵/۵ لیور محاسبه می‌کرد. وی محاسبات خود را گاهی با فرانک و گاهی نیز با لیور انجام می‌داد که هر دو یکسان و برابر بودند.

۲. میرزا رفیعا نیز می‌نویسد: مدد معاش میرزا ابوطالب، صدر خاصه به ۱۳۶۰ تومان بالغ می‌شد. وی می‌افزاید: به نظر نمی‌رسد کسی غیر از او چنین مبلغی را دریافت کرده باشد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۴).

پرداخت می‌شد (سلطانیان، ۱۳۹۳: ۶۹). برای مثال، چهارصد من برنج با «مصالح و تکلفات» در مطبخ آستانه امام رضا علیه السلام پخته می‌شد. برای کمک به فقرا و زوار نیز روزانه ۱۰۸ من برنج و ۷۵ من^۱ گوشت و هزار و دویست عدد نان، غیر از آش و حلیم، در شیلان آن آستانه صرف می‌شد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۷). البته از عواید موقوفات، به صورت‌های دیگری نیز به زوار کمک می‌کردند. برای نمونه، در یکی از «رقبات» (روستای وقف شده) خواجه کریم‌الدین پاریزی، به نام «عقدا» - که بین راه یزد واقع بود - به هر یک از زوار مشهد که از آن روستا می‌گذشتند، بر طبق نظر واقف، یک جفت گیوه و یک من نان می‌دادند (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۷۵).

بقعه اردبیل نیز - که از بقاع مهم و پر درآمد به‌شمار می‌رفت - هزینه‌های زیادی داشت؛ چنان‌که از مطبخ آن، روزانه سه وعده و هر بار به بیش از یک‌هزار نفر از خدمه بقعه، فقیران و مسکینان غذا داده می‌شد (اولثاریوس، ۱۳۶۳: ۱۳۰).^۲

نگاهی به برخی سوء استفاده‌ها از موقوفات آستانه‌ها

سرانجام باید به برخی سوء استفاده‌ها نیز اشاره کرد. در دوره صفویان، به همان نسبت که بر موقوفات افزوده شد، سوء استفاده از آن‌ها نیز افزایش یافت. چنین روندی، به‌ویژه در دوره شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷)، تا آن‌جا پیش رفت که وی را ناگزیر به مداخله و مقابله با این پدیده ناپسند کرد؛ چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، در سال ۱۰۶۵ نظرعلی خان - حاکم و متولی دارالارشاد اردبیل - به علت تصرف موقوفات آن بقعه و شکایات رعایا، از حکومت عزل شد (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۱۶). باز در همین دوره بود که شاردن از درآمدهای کلان صدرها و معاونان آنان گزارش می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که شاه‌عباس دوم ناگزیر به کاهش عواید کلان آنان شد. وی می‌افزاید:

۱. «یک‌من» وزن معمول ایران در زمان شاه‌عباس یکم، در سراسر کشور یکسان نبود. برای مثال، یک‌من در تبریز معادل سه کیلو، در گیلان معادل شش کیلو و در شماخی و قراباغ مساوی با هشت کیلو بوده است.
۲. در همین باره گفتنی است در مناطق مسیحی‌نشین، کلیساها نیز موقوفات خاص خود را داشته‌اند. از جمله این کلیساهای معروف، کلیسای اچمیازین (اوج کلیسا) بود که درآمد آن به مصرف مخارج کلیسا و وظیفه‌خواران و خادمان آن می‌رسید. هنگامی که موقوفات این کلیسا مورد تعرض قرار گرفت، خلیفه کلیسا در مکتوبی از شاه‌عباس دوم تقاضا کرد موقوفات آن را که از سال‌ها پیش برقرار بود، با حکمی ابقا نماید که کسی مدعی آن نشود و مزاحمتی ایجاد نکند (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۱۱۱ - ۱۱۲).

این پادشاه، گروهی از روحانیان بزرگ و متصدیان امور شرع را دعوت کرد و ضمن هشدار به تجاوزشان به اموال و عایدات موقوفات، از میزان درآمد آنان کاست (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۳۴۳).

البته غیر از صدر و کارگزاران وی - که حق مداخله در امور اوقاف را داشتند - مقامات دیگری چون حاکمان، بیگلربیگیان، کلانتران و قضات نیز به روش‌های گوناگون، در موقوفات، مداخله و دخل و تصرف می‌کردند (نوابی و احمدی، ۱۳۸۱: ۳۹).

افزون بر این‌ها، مؤلف عباس‌نامه نیز از حیف و میل موقوفات در این دوره گزارش می‌دهد. از جمله این موارد، سوءاستفاده از موقوفات چهارده معصوم علیهم‌السلام بود که شاه‌عباس دوم به بررسی آن پرداخت (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۲۳ - ۲۲۴). همچنین از موقوفات آستانه امام رضا علیه‌السلام نیز سوءاستفاده‌هایی می‌شد. نمونه‌ای از آن در دوره پایانی سلطنت شاه محمد خدابنده (۹۸۵-۹۸۵) روی داد که در آن، مرتضی قلی‌خان پرناک - حاکم مشهد - برای جمع‌آوری سپاه و مقابله با رقیبان، به اموال وقفی آن آستانه چنگ انداخته بود (مستوفی، ۱۳۷۵: ۸۹). دیگری در روزگار شاه سلطان‌حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵) و در سال‌های ۱۱۲۸ - ۱۱۲۹ بود که هر بار سرداران شاه برای جنگ با افغانان، بسیاری از اسباب و طلا و نقره آن آستانه را ظاهراً برای تدارک جنگ صرف کرده بودند (مرعشی، ۱۳۶۲: ۲۶ - ۲۷).

نتیجه‌گیری

در دوره صفویان، بسیاری از آستانه‌ها و بقاع متبرکه بازسازی شد و در ساختار دیوانی آن‌ها دگرگونی‌هایی به‌وجود آمد. از این‌رو، برای آشکار ساختن چنین دگرگونی‌هایی، چند آستانه مهم‌تر - مانند آستانه‌های مشهد، قم، عتبات عالیات و بقعه اردبیل - از دو منظر مورد مطالعه و مقایسه قرار گرفتند؛ نخست از منظر کم و کیف ساختار دیوانی و دیگر، از جنبه عواید و محل‌های مصرف این عواید.

از این‌رو، در بخش نخست کوشیده شد ساختار دیوانی به وجود آید و چگونگی اداره این آستانه‌ها نشان داده شود. در این راستا، نخست منصب، وظایف و مسئولیت

متولیان - به عنوان بالاترین مقام دیوانی آستانه‌ها - مورد مطالعه قرار گرفت. متولیان در واقع از مقامات عالی‌رتبه لشکری و کشوری بودند و مناصبی چون «قورچی‌باشی»، «امیر»، «بیگلربیگی» و «حاکم» داشتند. در آستانه‌های بزرگ متولیان بر بخش‌های گوناگونی چون کتابخانه، شربت‌خانه، دارالشفاء، آشپزخانه، عطارخانه، فراش‌خانه، حویج‌خانه، شماعی‌خانه، خبازخانه، ایاغ‌خانه، قصاب‌خانه، هیمه‌خانه و... نظارت داشتند. گذشته از این‌ها، اداره تأسیسات جنبی هر آستانه مانند مسجد و مدارس دینی نیز بر عهده متولیان بود. همچنین وزیر و مستوفیانی که امور موقوفات آستانه‌ها را بر عهده داشتند، جملگی در برابر مقام متولی مسئول بودند. چنین ساختار گسترده‌ای سبب شده بود در آستانه‌های بزرگ، دو متولی منصوب شوند که با تقسیم کارها، امور مربوطه را بهتر اداره نمایند. این بررسی نشان داد چنین ساختاری کمابیش در تمام آستانه‌های بزرگی که مورد مطالعه قرار گرفتند، یکسان بوده است.

از سوی دیگر، اداره چنین تشکیلات گسترده‌ای به همان نسبت هزینه‌های بسیاری نیز داشت. مهم‌ترین این هزینه‌ها عبارت بودند از بخشی از حقوق صدرها، حقوق بالای متولیان در آستانه‌های بزرگ، حقوق شمار زیادی از کارکنان، هزینه‌های تعمیر و نگه‌داری، مخارج طعام روزانه کارکنان و زوار و مسکینان، هزینه‌های برخی مدارس مذهبی و مساجدی که تحت پوشش این آستانه‌ها قرارداشتند و... از این رو - چنان‌که نشان داده شد - یکی از مهم‌ترین منابع تأمین این‌گونه هزینه‌ها، عواید اموال و اراضی وقفی گسترده‌ای بود که در سراسر ایران و حتی در خارج از کشور، وقف آستانه‌های مقدس می‌شد. به‌طورکلی، در این دوره، فرهنگ وقف گسترش یافت و در نتیجه بسیاری از حاکمان و بزرگان و خیران، اراضی و اموالی را - به نیت وقف و البته گاه به نام وقف، ولی برای مصونیت از غضب و مصادره - وقف کرده بودند. گذشته از این‌ها، بخش دیگری از هزینه‌ها نیز از طریق وجوه نقدی اشخاص، نذورات بسیاری که از سراسر کشور می‌رسید، اجناس و اقلام گوناگون از مواد غذایی و... تأمین می‌شد.

منابع

- احمدی، نزهت (۱۳۸۴ش)، «تشیع و وقف در عصر صفوی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، شماره ۴۰.
- امیری، محمود (۱۳۸۴ش)، «حرم حضرت معصومه علیها السلام از نگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی»، وقف میراث جاویدان، شماره ۵۲.
- اولثاریوس، آدام (۱۳۶۳ش)، سفرنامه مسکو و ایران، ترجمه «احمد بهپور، تهران، انتشارات ابتکار.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۴۸ش)، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه.
- بوسه، هریرت (۱۳۶۷ش)، پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، ترجمه: غلامرضا وهرام، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ترکمان، اسکندربیک (۱۳۸۲ش)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش: ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۲ش)، «تاریخچه تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۷۰ - ۷۱.
- _____ (۱۳۹۰ش)، «عشر و ده‌نیم؛ بررسی یکی از اصطلاحات مالی دوره صفویه»، گنجینه اسناد، ش ۸۱.
- حسینی استرآبادی، سیدحسن بن مرتضی (۱۳۶۶ش)، از شیخ صفی تا شاه صفی (تاریخ سلطانی)، به کوشش: احسان اشراقی، تهران، انتشارات علمی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۵۳ش)، حبیب‌السیر، تهران، انتشارات خیام.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۸۵ش)، «درباره کلمه سنی»، فرهنگ ایران زمین، به کوشش: ایرج افشار، تهران، انتشارات سخن.
- رهبرن، کلاوس میسائیل (۱۳۴۹ش)، نظام ایالات در دوره صفویه، ترجمه: کیکاووس جهان‌داری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سلطانیان، ابوطالب (۱۳۹۳ش)، نظام زمین‌داری و کشاورزی در دوره صفویه، رشت،

- انتشارات دانشگاه گیلان.
- شاردن، ژان (۱۳۷۴ش)، *سفرنامه شاردن*، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران، انتشارات توس.
 - شاملو، ولی قلی بن داود قلی (۱۳۷۱ش)، *قصص الخاقانی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 - شیرازی، عبدی بیک (۱۳۶۹ش)، *تکملة الاخبار*، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران، نشر نی.
 - عقیلی، سیدعبدالله (۱۳۷۸ش)، «فرمان اشرف افغان و موقوفات آستانه حضرت عبدالعظیم»، *وقف میراث جاویدان*، شماره ۲۸.
 - غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۳ش)، *تاریخ جهان آرا*، به کوشش: مجتبی مینوی، تهران، انتشارات حافظ.
 - فلسفی، نصرالله (۱۳۷۱ش)، *زندگانی شاه عباس اول*، تهران، انتشارات علمی.
 - قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰ش)، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی.
 - قمی، قاضی احمد (۱۳۵۹ش)، *خلاصة التواریخ*، تصحیح: احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران.
 - کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳ش)، *سفرنامه به ایران*، ترجمه: کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی.
 - لمبتن، ان. ک. اس (۱۳۷۷ش)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه: منوچهر امیری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
 - مرعشی صفوی، میرزا محمدخلیل (۱۳۶۲ش)، *مجمع التواریخ*، تصحیح: عباس اقبال، تهران، انتشارات سنایی.
 - مستوفی، محمدحسن (۱۳۷۵ش)، *زبدة التواریخ*، به کوشش: بهروز گودرزی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
 - میرزا رفیع، محمد رفیع بن حسن (۱۳۸۵ش)، *دستور الملوک*، به کوشش: محمد اسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه: علی کردآبادی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

- میرزا سمیعا (۱۳۷۸ش)، *تذکرة الملوك*، به کوشش: سید محمد دبیرسیاقی، تهران، امیرکبیر.
- مینورسکی، ولادی میر فئودورویچ (۱۳۷۸ش)، *سازمان اداری حکومت صفوی (تعلیقات مینورسکی بر تذکرة الملوك)*، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران، امیرکبیر.
- نصیری، میرزا علی نقی (۱۳۷۲ش)، *القاب و مواجب دوره سلاطین صفوی*، به کوشش: یوسف رحیم‌لو، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- نوایی، عبدالحسین؛ زهت احمدی (۱۳۸۱ش)، «ساختار نهاد وقف در عصر صفوی»، فصلنامه علمی - پژوهشی *دانشگاه الزهراء*، شماره ۴۳.
- وحید قزوینی، محمدطاهر (۱۳۲۹ش): *عباس‌نامه*، تصحیح: ابراهیم دهگان، اراک، نشر داوودی.
- Bausani, Alessandro (1971), *The Persians*, translated from the Italian by: J.B.Done, London.